

## سوره «هود» (۱۱)

### معرفی و مقایسه

سوره «هود» یکی دیگر از سوره‌های ششگانه‌ای است که مجموعه مرتبط و منسجمی را تشکیل داده و با حروف مقطعه «الر» شروع می‌شوند. این سوره با سوره «یونس» (از این مجموعه) که قبلاً مطالعه کردیم، نقاط مشترک فراوانی دارد که اهم آن محور هر دو سوره یعنی همان سرنوشت امت‌های مجرم و منحرف تاریخ در رابطه با انبیاء و سنت جاری الهی می‌باشد. با این تفاوت که به دلیل اختلاف در سال نزول، هر یک از دو سوره روی جنبه خاص و بعد ویژه‌ای از این مسئله تأکید و توجه کرده است. سوره هود که مربوط به سال ۹ بعثت (مطابق جداول کتاب سیر تحول قرآن) می‌باشد، از نظر زمانی ۲ الی ۸ سال زودتر از سوره یونس (سال ۱۱ بعثت و ۴ هجرت) نازل شده است. بنابراین موضوعات مطرح شده در آن جنبه تقدم و تازگی دارد و به همین دلیل در این سوره کلیات و محورهای اساسی مطلب مطرح می‌شود و در سوره یونس روی بخش خاصی از مطلب تمرکز می‌گردد.

سوره «هود» (در سال نهم) در شرایطی نازل می‌شود که پیامبر و مسلمانان در سخت‌ترین شرایط و روزهای خود به سر می‌بردند، از یک طرف فشار و شکنجه و تبعید و تهدید کفار به نهایت خود رسیده، از طرف دیگر پیامبر (ص) حضرت ابوطالب و خدیجه را از دست داده بود. از این نظر سوره هود، هم رنگ دلداری و تسلیم دارد و هم درس صبر و مقاومت و پایداری می‌دهد. این همان سوره‌ای است که به دلیل آیه «فاستقم كما امرت و من تاب معك» یا کل آن، روایت شده که پیامبر فرموده است مرا پیر کرد (شیبتنی سوره هود).

در این سوره برای عبرت و آموزش مسلمانان خلاصه اجمالی داستان انبیاء الهی را با

قلت نفرات و دشواری تکذیب و تمسخر و تعارض قوم نشان می دهد و برنامه کلی آنها را که روی محور «توحید» و عبادت انحصاری خدا تکیه داشته تبیین می نماید، اما در سوره یونس اولاً به جای ذکر داستان انبیاء هفتگانه (نوح، هود، صالح - لوط - ابراهیم - شعیب و موسی)<sup>۱</sup> که در سوره هود مشروحاً بیان شده، به ذکر مختصری از اولین و آخرین آنها (نوح و موسی علیهم السلام) اکتفا نموده، ثانیاً از کل ماجرای آنها با قومشان، عمدتاً روی هلاک و انقراض قوم با عذاب الهی متمرکز گشته است. به این ترتیب می توان گفت سوره یونس اخص از سوره هود است. اما هر دو سوره از یک موضوع کلی سخن می گویند. گرچه ظاهراً به نظر می رسد باهم بیگانه باشند.<sup>۲</sup>

علاوه بر آن، هر دو سوره با کتاب حکیم و بشارت و انذار و نقش رسول آغاز می شوند و به آزادی و اختیار انسان و دستور صبر و توکل به رسول ختم می گردند.

### موضوعات و مطالب کلیدی

معمولاً هر سوره روی یک یا چند واژه به صورت متمرکز تکیه می کند که تشخیص این تمرکز، به شناسائی سوره کمک شایانی می نماید. از جمله در سوره «هود» نیز کلمات مشخصی به چشم می خورد که جنبه کلیدی و مرکزی پیدا کرده اند.

۱- رب - منظور از ارسال رسل و انذار و تبشیر آنها و ابتلای تاریخی انسان چیزی جز تربیت و تکامل انسان و سیر او به سوی خدا نیست. در این سوره بیش از الوهیت خالق روی ربوبیت او (همانند سوره یونس) تأکید شده است. بنابراین اسم «رب» نیز به عنوان یکی از واژه های کلیدی این سوره مطرح می باشد. لازم به یادآوری است که برخی از ترکیبات «رب» با ضمائر، در این سوره نسبت بسیار بالائی را در قرآن دارد. از جمله ربک (۱۶ بار مرتبه دوم پس از انعام ۱۷ بار)، ربی (۱۱ بار بعد از کهف ۱۳ بار)، ربهم (۷ بار بعد از بقره و انعام هر کدام ۱۰ بار). در مجموع ۴۳ بار کلمه «رب» در ترکیب با ضمائر، در این سوره به کار رفته است. اهمیت این مسئله در رابطه با هلاک امت های منحرف روشن می گردد، تمامی امتحان و ابتلاء و فتنه امت ها نهایتاً به تربیت و تکامل بشر منجر می گردد.

۱. ترتیب زمانی این ۶ سوره از نظر سال نزول به این قرار است: ۱- حجر (۴ و ۵ بعثت) ۲- هود (۹ ب) ۳- یوسف

(۱۱ ب) ۴- یونس (۱۱ ب و ۵۴) ۵- ابراهیم (۷ و ۱۲ و ۱۳ ب و ۵۹) ۶- رعد (۶ و ۷۵)

۲. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نوشته است: «این دو سوره دو غرض مختلف دارند که بازگشت بهم ندارند» به نظر ایشان سوره یونس سنت جاری الهی را که بین رسولان و امت های تکذیب کننده شان حکم قطعی انجام شده ذکر می کند و سوره هود می خواهد ثابت کند چگونه معارف قرآنی، برگشت به توحید خالص دارد و توحید بر حسب ترکیب معارف اصلی و فرعی بازگشت دارد.

۲- اسامی انبیاء و اقوام - در این سوره نام چندتن از انبیاء الهی و اقوام آنها بیش از سایر سوره‌های قرآن به کار رفته است، از جمله:

نوح ۷ بار از ۳۳ بار، هود ۵/۱۰، صالح ۴/۱۰، شعیب ۲/۴، لوط ۵/۲۷ عاد ۴/۲۴، ثمود ۴/۲۶

اما نام حضرت ابراهیم و حضرت موسی، از آنجائی که داستان و موضوع رسالت آنها در سوره‌های دیگر به تفصیل بیان شده است، در این سوره زیاد به کار نرفته است. با این حال نام حضرت ابراهیم در سوره هود پس از بقره و آل عمران بالاترین رقم را دارد.

۳- بینه - در این سوره ۵ بار کلمه «بینه» به کار رفته است که این تعداد بیش از یک چهارم کل کاربرد آن در قرآن می باشد (۵ بار از ۱۹ بار). از آنجائی که موضوع اصلی سوره رسالت انبیاء و عکس العمل اقوام می باشد، مسئله معجزه و ارائه بینه از ارکان موضوع به شمار می رود. مواردی که این کلمه در رابطه با رسولان الهی به کار رفته است به قرار ذیل می باشد:

آیه ۱۷ - حضرت محمد: افمن كان على بينه من ربه ويتلوه شاهد منه...

آیه ۲۸ - حضرت نوح: قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينه من ربي واتيني رحمة من عنده...

آیه ۶۳ - حضرت صالح: قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينه من ربي واتيني منه رحمة

آیه ۸۸ - حضرت شعيب: قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينه من ربي ورزقني منه رزقاً...

آیه ۵۳ - حضرت هود: قالوا يا هود ما جئتنا ببينة و ما نحن بتاركي الهتنا...

مسئله قابل توجه، تفاوتی است که در بینه داشتن حضرت هود نسبت به سایر انبیاء مشاهده می شود، در این مورد قوم هود از اینکه بزعمشان پیامبر آنها بینه‌ای نداشته، تکذیبش می کردند.

۴- رحمت - از ۳۳ مرتبه‌ای که کلمه «رحمت» در قرآن به کار رفته ۸ مورد آن یعنی ۱۰٪ کل، در سوره هود قرار دارد. مصادیق رحمت که در این سوره آمده است به قرار ذیل می باشد: نجات انبیاء و مؤمنین به آنها هنگام نزول عذاب (۳ مرتبه)، بخشیدن رحمت به رسولان (احتمالاً کتاب و آگاهی) ۲ مرتبه، رحمت به اهل بیت حضرت ابراهیم، کتاب موسی رحمت مکتوب، چشاندن راحتی و رفاه و آسودگی به انسان (هر کدام یکبار).

۵- رشید - در قرآن ۳ بار کلمه رشید به کار رفته که هر سه مورد آن در سوره هود قرار گرفته است. یکبار از زبان حضرت لوط خطاب به قوم منحرف (... ایس منکم رجل رشید - آیه ۷۸)، یکبار از زبان قوم شعیب خطاب به او (انک لانت الحلیم الرشید - آیه ۸۷) و بار دیگر در بیان رشید نبودن امر فرعون (... فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشید - آیه ۹۷) به این ترتیب مسئله رشد انسان از محورهای این سوره محسوب می گردد.

۶- استغفار و توبه - عبارت «استغفروا ربکم ثم توبوا الیه» سه بار در این سوره خطاب به قوم محمد (ص)، هود (ع) و شعیب (ع) (در آیات ۳ و ۵۲ و ۹۰) به کار رفته است. هم کلمه «استغفروا» و هم کلمه «توبوا» از نظر آماری در این سوره بالاترین نسبت را دارد (۳ بار از ۶ بار و ۳ بار از ۷ بار). مسئله استغفار و توبه اقوام گناهکار در ارتباط با موضوع اصلی سوره معنای خاصی دارد.

۷- ظلم - عذاب امت های مجرم به دلیل ظلم و ستم آنها تحقق یافته است. به این دلیل در این سوره ۱۳ بار مشتقات کلمه ظلم به کار رفته و برخی از این مشتقات مثل «ظلموا» بالاترین رقم را در قرآن دارد (۶ بار از ۲۳ بار / ۱۴٪). کلمه «ظالمین» نیز ۴ بار به کار رفته است.

۸- تعبد - از مصادیق ظلم به نفس که موجب عذاب امت های مجرم می شود، «تعبد» و سر سپردگی نسبت به فرعونها و جباران تاریخ بوده است، در این سوره موضوع تعبد به عنوان مسئله ای کلیدی مطرح گشته و برخی از مشتقات آن همچون «تعبدوا» و «یعبد» بالاترین نسبت را در قرآن دارد، همانطور که گفته شد، در آخرین آیه سوره (در رابطه با رجوع تمامی امر به خدا، نه فرعونها) فرمان عبادت انحصاری خدا و توکل به او داده شده است:

ولله غیب السموات والارض و الیه یرجع الامر کله فاعبدوه و توکل علیہ و ما ربک بغافل عما تعملون

۹- امر - کلمه «امر» ۹ بار در این سوره تکرار شده است که از نظر تعداد با اختلاف زیادی از سایر سوره ها بیشتر است. همچنین «امرنا» با ۵ بار تکرار در این سوره بالاترین رقم را در کل قرآن دارد. در تمامی این موارد موضوع «امر» به خدا نسبت داده شده است. مثل امرنا (۵ بار) یا امرالله (۲ بار) و امر ربک (۲ بار). به استثنای دو مورد که به جای «الله» طاغوت های تاریخ نشسته اند. مثل: آیه ۹۷ (... فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشید) و آیه ۵۹ (وتلک عاد جحدوا بایات ربهم و عسوارسله و اتبعوا امر کل جبار عنید)، آنچه مورد نظر سوره است، توجه دادن به این مسئله است که تنها امر خدا قابل تبعیت است نه امر فرعونها و

جباران تاریخ، حتی آخرین آیه این سوره نیز با رجوع تمامی «امور» به خدا جمع بندی می شود. (ولله غیب السموات و الارض والیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه...). مواردی که کلمه «امر» به خدا نسبت داده شده عمدتاً مربوط به فرمان عذاب است (آیات ۴۳-۴۴-۷۶-۱۰۱-۴۰-۶۶-۸۲-۹۴-۵۸) برای اقوام مجرم، به استثنای آیه ۷۳ که در مورد بشارت اسحق برای همسر ابراهیم است. بنابراین می توان گفت در این سوره روی فرا رسیدن امر خدا (فلما جاء امرنا) برای عذاب اقوام منحرف و منحط به صورت متمرکز تأکید شده است تا ذهن خوانندگان متوجه عزت و غلبه خدا نسبت به اقوام مجرم معطوف گردد و سرنوشت شوم و تیره آنها را در ذهن خود تصور نمایند.

۱۰- عذاب - همانطور که گفته شد، کلمه «امر» در رابطه با فرا رسیدن اجل امت ها و عذاب آنها در این سوره مورد توجه قرار گرفته است. به این دلیل کلمه «عذاب» نیز در این سوره از کلمات کلیدی به شمار می رود، گرچه از نظر تعداد کمتر از سوره های بقره و آل عمران می باشد (این کلمه در سوره هود ۱۳ مرتبه و در سوره های بقره و آل عمران ۱۸ و ۱۵ بار به کار رفته است)، اما به طور نسبی با توجه به حجم سوره ها، سوره هود نسبت کاملاً بالاتری دارد. عجیب این که صفت عذاب در این سوره بر حسب نوع انحراف اقوام تفاوت کرده است مثل:

عذاب غلیظ، عذاب مقیم، عذاب قریب، عذاب یوم الیم - عذاب یوم کبیر - عذاب یوم محیط - عذاب غیر مردود، عذاب الاخره - عذاب یخزیه

آغاز و ختم سوره - همانطور که قبلاً در سوره های دیگر ملاحظه کردیم، اولین و آخرین آیات اغلب سوره ها، فهرست و خلاصه آن سوره به شمار می رود، و با دقت نظر و بررسی محتوا و مضمون آن می توانیم به اهداف و مقاصد سوره بهتر آگاه شویم. چند آیه اول این سوره عصاره دعوت انبیاء را که محور مسائل مطروحه در سوره می باشد مطرح می نماید. این عصاره شامل عبادت انحصاری خدا، استغفار و توبه، اختیار انسان و رجوع نهائی او در قیامت به سوی خدا می باشد، همانطور که ملاحظه شد، بسیاری از این کلمات مثل: تعبد، استغفار، توبوا، از نظر آماری در این سوره بیشتر از سایر سوره ها به کار رفته است.

همچنین در آخرین آیه سوره (ولله غیب السموات و الارض والیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه و ماریک بغافل عما تعملون). کلمات: غیب، امر، (یعبدتعبدوا) - توکلت - نشان دهنده این حقیقت است که کاربرد این کلمات در این سوره بیشتر از سایر سوره های قرآن است.

آزادی و اختیار انسان - در این سوره نیز همچون سوره های انعام و یونس، به دلیل سیاق

استدلالی و منطقی آن و ارائه شواهد و بینات در روند رسالت، بر اختیار و آزادی انسان در پذیرش توحید و نبوت و قیامت تصریح شده است. حداقل ۱۳ آیه از این سوره را که بیش از ۱۰٪ آیات آن می شود، می توان در رابطه با این مسئله تلقی کرد. مثل آیات شماره: ۱۲-۱۵-۵۷-۸۶-۸۸-۹۳-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۲.

در سومین آیه این سوره (... وان تولوا فانی اخاف علیکم عذاب یوم کبیر) و دو آیه آخر آن (و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عاملون - و انتظروا انا منتظرون) اشارات صریحی در این مورد وجود دارد که می توان گفت در ابتدا و انتهای سوره بر اهمیت مسئله تأکید شده است. این آیات را می توان لابلای کلمات انبیاء در ادوار مختلف تاریخ به قرار ذیل مشاهده نمود.

مربوط به حضرت محمد (ص) و امت اسلام :

- |  |   |
|--|---|
| } آیه ۳: فان تولوا فانی اخاف علیکم...  | } |
| آیه ۱۲: ... انما انت نذیر و الله علی کلشی قدیر   |   |
| آیه ۱۵: من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و...                                   |   |
| همچنین آیات ۱۱۸-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۲ (آیات جمع بندی)  |   |
| آیه ۵۷- فان تولوا فقد ابلاغتکم ما ارسلت به الیکم و یستخلف ربی... ان ربی علی کلشی حفیظ (مربوط به هود (ع)) |   |
| آیه ۸۶- و ما انا علیکم بحفیظ (مربوط به شعیب (ع))   |   |
| آیه ۸۸- ... و ما اریدان اخالفکم الی ما انهاکم عنه... (شعیب (ع))  |   |
| آیه ۹۳- و یاقوم اعملوا علی مکانتکم انی عامل... (شعیب (ع))  |   |

آیات ۱۱۰ و ۱۱۱ در رابطه با امت بنی اسرائیل و رسالت حضرت موسی می باشد. علاوه بر نکات فوق ۵۲ بار مشتقات کلمه «قال» در این سوره به کار رفته است که دلالت بر رابطه استدلالی و برقراری بحث و گفتگو میان انبیاء و امت های آنها می کند.

### نام های نیکوی الهی

در این سوره برخلاف سوره یونس (که عمدتاً بر مقطع خاص هلاک امت ها و حکم قطعی پروردگار عنایت داشت) اسامی نیکوی متعددی از پروردگار به چشم می خورد که برخی از آنها مثل: قدیر، وکیل، حفیظ، محیط، خبیر، بصیر، الله و رب و علیم - فعال به صورت منفرد به کار رفته و برخی دیگر به صورت مزدوج و ترکیبی مثل: حکیم خبیر، غفور رحیم، قریب مجیب، حمید مجید، رحیم ودود

نام «الله» در این سوره ۳۸ بار تکرار شده که معادل ۲×۱۹ می باشد و مجموع اسامی نیکوی الهی که در سوره به کار رفته نیز ۱۹ مورد می باشد (الله - رحمن - رحیم - قدیر - وکیل - حفیظ - محیط - خبیر - بصیر - رب - علیم - فعال - حکیم، غفور - قریب - مجیب - حمید - مجید - ودود).

همانطور که قبلاً گفته شد، اضافه ضمایر به نام «رب» (مثل ربک، ربهم، ربی) در این سوره بسیار دیده می شود و مجموع آن به ۴۱ می رسد که رقم بسیار بالائی است.  
تبصرة: کلمات «رب»، «رحیم»، «خبیر» دوبار به کار رفته و بقیه اسامی فقط یکبار و فور نامهای نیکوی الهی در این سوره، به خصوص نام «رب» (در اضافه به ضمائر) دلالت بر ابعاد و جهات متنوع هدایتگری می نماید که در جریان رسالت انبیاء وجود داشته است.

### لحن و آهنگ انتهائی آیات

همچنان که نامهای الهی در این سوره متعدد و متنوع است، آهنگ خاتمه آیات آن نیز برخلاف ۱۰ سوره گذشته که مطالعه کردیم، بسیار متنوع می باشد. به طوری که آخرین کلمه آیات این سوره به ۱۲ حرف مختلف به ترتیب ذیل ختم می شوند:

ن - ۵۸ مرتبه	ر - ۱۱ مرتبه	ظ - ۳ مرتبه	ق - ۱ مرتبه
د - ۲۴ مرتبه	م - ۴ مرتبه	ل - ۲ مرتبه	ذ - ۱ مرتبه
ب - ۱۲ مرتبه	ط - ۴ مرتبه	ز - ۲ مرتبه	ص - ۱ مرتبه

معمولاً گروه های مستقلی از آیات با حروف متنوع لابلای سوره ترکیب شده اند و بقیه قسمت ها با حرف «ن» ختم می شوند.

معمولاً آیاتی که به حرف «ن» ختم می شوند به عملکرد انسان مربوط می شوند و آیات غیر از آن، به اسامی نیکوی خداوند و اوصاف بهشت و جهنم و وعده و عیدهای او. در برخی موارد که این قانون بهم می خورد به نظر می رسد خداوند خواسته است کلمه مورد نظر را به اصطلاح برجسته و اگراندیسمان نماید. مثل کلمه ثمود در آیات ۶۸ و ۹۵ و مرود و مرفود در آیات ۹۸ و ۹۹ و جاثمین در آیه ۹۴ - رشید در آیه ۸۷ و لوط در آیات ۷۰ و ۷۴ - هود آیه ۶۰ که در این سوره از نظر آماری این کلمات نسبت به سایر سوره های قرآن مقام نخست را دارا هستند

البته کلمات دیگری مثل یعقوب (آیه ۷۱)، نرید (۷۹)، الیه انیب (۸۸) یرید (۱۰۷) و... از نظر آماری چنین نسبتی را ندارند و باید دلیل استثنا بودن آنها را در جای دیگری پیدا

کرد. اگر کلمات «ترید» و «یرید» را در رابطه با «امر» قرار دهیم، که از نظر آماری اول است، و انیب را همان توبه بگیریم، این موارد حل می شوند.

کلمات دیگری مثل: کفور (آیه ۹)، فخور (۱۰)، قلیل (۴۰)، عنید (۵۹) مریب (۶۲)، تخسیر (۶۳)، حینثذ (۶۹)، رقیب (۹۳) به کار رفته اند که مربوط به انسان می باشند اما چون با تنوین ختم شده اند صدای آن از نظر لحن و آهنگ همان «ن» می باشد.

### ارتباط سوره های هود و یوسف (۱۱ و ۱۲)

۱- در انتهای سوره هود خطاب به پیامبر (ص) آمده است: «ما همه حکایات و اخبار رسولان را بر تو بیان می کنیم تا به آن دلت را محکم و استوار داریم و تو را در این سرگذشت ها (یا در قرآن) حقیقت و پندی وجود داشته و مؤمنین را تذکر و بیداری می باشد»:

و کلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک و جائک فی هذه الحق و موعظه و ذکری للمؤمنین

در سوره هود داستان هفت رسول عظیم الشان را بیان کرده است و به دنبال آن در سوره بعدی (باز هم با ذکر کلمه قصه) به طور اختصاصی و انحصاری و یکپارچه، زیباترین آنها را که «احسن القصص» نامیده شده، نقل می نماید: (نحن نقص علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القرآن و ان کنت من قبله لمن الغافلین). به این ترتیب موضوع قصه رسولان (مصائب و مشکلات و صبر آنها در برابر سختی ها) محور متصل کننده دو سوره می باشد. جالب این که در سوره هود این حکایت ها را برای دلگرمی و تقویت روحیه و تثبیت فؤاد پیامبر بیان می کند، و در اواخر سوره یوسف نیز رسیدن نصرت الهی را در نهایت سختی و فشار علیه رسولان که آنها را تا مرز یأس و نومیدی از یاری خدا کشانده بود، نشان می دهد تا رسول اکرم را درس دیگری باشد:

حتى اذا استیس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جائهم نصرنا فنجی من نشاء و لایرد باسنا عن القوم المجرمین.

۲- در دو آیه ما قبل آخر سوره هود روی عنصر زمان و صبر و انتظار برای به نتیجه رسیدن اعمال (نیک یابد) و عامل آزادی و اختیار انسان برای تعیین سرنوشت خویش تأکید می نماید (قل للذین لایؤمنون اعملو اعلی مکانکم انا عاملون - وانتظروا انا منتظرون) و سوره یوسف نیز که به دنبال آن می آید، تابلوی شگفتی از «صبر جمیل» یعقوب در وصال یوسف



(در طول قریب ۴۰ سال) است که غصه گلوگیر و اشک دائمی، او را به کوری رسانده بود. سرانجام سرنوشت یوسف، علیرغم سختی های عمق چاه و زندان طولانی عزیز مصر که به عالیترین مقام و موقعیت دنیائی و اخروی رسید، و سرافکنندگی برادران، علیرغم قدرت و کثرت و تسلط آنان، نشانگر به نتیجه رسیدن حق در مسیر وعده داده شده می باشد.

۳- در آخرین آیه سوره هود برای اصلاح روحیه «زودوزور» و انتظار نتیجه فوری داشتن از مختصر تلاش در راه حق، که مخصوص آدمهای عجول و شتابزده و کم صبر (یعنی اکثریت انسانها) می باشد، کسانی که رو به ظواهر «امر» و تسلط باطل چشم دوخته و به آنچه اندر پرده و در پشت ظواهر زمان و مکان حال و حاضر پنهان است یعنی «غیب» کمتر توجه می نمایند، برای حقیقت تأکید می نماید که پنهانیهای آسمانها و زمین برای خدا (آشکار) است و تمامی امور سرانجام به سوی او منتهی می گردد (در مبارزه حق علیه باطل باید امیدوار به پیروزی نهائی حق بود) بنابراین باید او را پرستید (فقط تسلیم او بود) و بر او توکل کرد و (یقین داشت که) پروردگار غافل از آنچه مجرمین می کنند نیست:

(ولله غیب السموات و الارض و الیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه و ماریک بغافل عما تعملون).

در سوره یوسف نیز روح حاکم بر ماجری، همین «غیب» و پنهان بودن قضیه گم شدن یوسف برای یعقوب (و بقیه خانواده)، خواب یوسف و خوابهای عزیز مصر و دو یار زندانی و حوادثی است که به صورت شگفت انگیز ادامه پیدا می کند. همچنین «رجوع امر» به سوی خدا که منجر به عالیترین موفقیت برای یوسف گردید.

درسی که باید از این داستان گرفت، تعبد و تسلیم مطلق به خدا در کوران ابتلاء و آزمایش و توکل بر او در مسیر مشکلات و مصائب و اطمینان از نظارت دائمی و عدم غفلت پروردگار از اعمال توطئه آمیز و جرم و جنایات جناح باطل می باشد. در ضمن موضوع «غیب» که در آخرین آیه سوره هود به آن اشاره شده، از کلمات کلیدی سوره یوسف می باشد که در آیات ۱۰-۱۵-۵۲-۸۱-۱۰۲ آن تکرار شده است.

همچنین مسئله «رجوع امر به سوی خدا» که دلالت بر پیروزی نهائی حق می نماید (و در آخرین آیه سوره هود به آن تأکید گردیده بود) در آیه ۲۱ سوره یوسف به زبان دیگری به هنگامی که یوسف از عمق تاریک چاه در بیابان کنعان به خانه عزیز مصر راه می یابد و تنگی و تاریکی مکانش به وسعت کاخ و روشنی آن تبدیل می گردد، بیان می شود و غلبه خدا را بر «امر» خویش، هرچند بیشتر مردم بر آن آگاه نیستند، تأکید می نماید:

(... والله غالب علی امره و لکن اکثر الناس لا یعلمون)

